گزارشی از جلسه قبل

بحث ما سر این بود که حاج آقا فرمودند ادله اعتبار رؤیت در مسأله هلال از ادله استصحاب است. من عرض کردم بسیاری مهم است که این موضع‌گیری و این نگاه به روایات «صم للرؤیة» که صغرائی از استصحاب را بیان می‌کند، اصالً عینک جدایی به بحث می‌دهد. این خیلی اهمیت دارد. لذا در این جهت -که از نظر کلاسی فضا سنگین شده- هر چه بحث بکنیم و فکر بکنیم به نفع فضای فعلی بحث و هم آینده بحث است. اینطور نیست که بیفایده باشد. و لذا دنباله فرمایش ایشان عرض کردم که ما مدافع فرمایش شیخ انصاری هستیم. در رسائل فرمودند اظهر ما فی الباب از روایات استصحاب، همین مکاتبه است. البته مدافع فرمایش شیخ هستیم از حیث استحکام دلالت مکاتبه بر قاعده استصحاب. اما اظهریت به‌معنای مقایسه را مدافع نیستیم.

در اینکه این روایت استحکام قوی‌ای بر استصحاب دارد مدافع فرمایش شیخ هستیم. اما اینکه بگوییم در میان شش روایت، اظهر این است؛ یعنی آنها مشکل داشتند؛ نه. من گمانم این است که ادله استصحاب در دلالتشان بر این قاعده دلالت خیلی خوبی دارند. وقتی ملاحظه شود و با هم نگاه شود، این خبرها نیست که بگوییم این اظهر است و دیگری نیست.

اما اینکه چرا مرحوم شیخ این را می‌فرمایند، چون نسبت به روایات قبلی با وجود مداقه‌هایی که در قاعده استصحاب به‌عنوان یک قاعده منفرد با خصوصیات خودش، تعریف خودش، ضوابط خودش بیان کردند، می‌گویند خب این روایت این را نمی‌گوید. یعنی خدشه می‌کردند که این می‌خواهد این را بگوید. اما اگر ما طور دیگری استظهار بکنیم -من قبلاً بخشی از آن را عرض کردم، اگر مجال شد بعداً مباحثه می‌کنیم- این‌گونه نخواهد بود.

علی ای حال در اینکه مکاتبه، استصحاب دارد مدافع فرمایش شیخ هستیم و از حرف ایشان دفاع می‌کنیم. اظهریت مقایسه‌ای فعلاً جای خودش باشد. اصالً نسبت به روایت سوم زراره نوعاً مشکلشان این است؛ فابن عقیل الیقین؛ بنا بر یقین را به‌معنای استصحاب بگیریم نوعاً مشکل دارد که دلالت بکند. حالا دارد یا ندارد، سر جایش بحث می‌کنیم.

صاحب کفایه ذیل فرمایش شیخ انصاری اشکالی را مطرح کردند و فرمودند: **«وربما يقال : إن مراجعة الأخبار الواردة في يوم الشك يشرف القطع بأن المراد باليقين هو اليقين بدخول شهر رمضان ، وإنّه لابد في وجوب الصوم ووجوب الافطار من اليقين بدخول شهر رمضان وخروجه ، وأين هذا من الاستصحاب؟[1]»**. فرمودند مراجعه کنید، خب ما هم انشاءالله به روایات مراجعه می‌کنیم.

کسانی که با صاحب کفایه موافقت نکردند و با شیخ موافقت کردند، خیلی هستند. دیروز عرض کردم. من دیگر آنها را نمی‌آورم. چون خودتان مراجعه می‌کنید و کلمات آنها را می‌بینید. آن جای خودش است. حتی گفتند مرحوم آقای نائینی «دخل فیه الشک» را با کلمه «ینقض» گفتند و مطالبی را بیان فرمودند. مرحوم فیروزآبادی در عنایه می‌گویند خب در روایت زراره برای همین «دخل» بود. یعنی عبارتی نیست که شما بگویی آن جا «ینقض» بود و در مکاتبه «دخل» است، پس فرق می‌کند. علمائی که مدافع حرف شیخ بودند نکات خیلی خوب و مفصلی دارند. در «بحوث» دارند و در جاهای متعدد هست.

من روی حساب بحث خودمان کلمه اجلائی که با آخوند همراهی کرده‌اند را بنا داشتم عرض کنم. چون آن طرفش است. می‌خواستم آنها را عرض کنم و جلو بروم.

5:08

دیروز از نهایة النهایه مرحوم ایروانی عرض کردم. حال نمیدانم خود ایشان اسم کتابشان را نهایة النهایه گذاشتند؟ یا بعد که چاپ میکردند شاگردان ایشان یا نزدیکان ایشان این نام را گذاشته باشند؟ نمیدانم، بعید نیست که نهایة النهایه ناظر به نهایة الدرایه ناظر باشد. چون معاصر بودند. آقای ایروانی و محقق اصفهانی حدوداً هم سن بودند. نمیدانم تولد مرحوم اصفهانی قبل از سیصد است یا بعد از آن. آقای ایروانی سیصد و یک هستند. سنشان که بوده، پنجاه و سه سال داشتند.

علی ای حال کتاب ایشان نهایة النهایه است. خوب است که آدم بداند که خودشان نامگذاری کردهاند یا دیگران. از چیزهای جالب هم این است که مرحوم قطب راوندی کتاب نهایة النهایه دارند. النهایه یعنی نهایه شیخ طوسی. شاید نهایة النهایه قطب راوندی را در الذریعه نیاورده باشند. جالب است که در نرمافزار نهایة النهایه آمده بود. قطب راوندی دو-سه کتاب در ذیل نهایه شیخ دارند.

شاگرد: محقق اصفهانی ۲۹۶ هستند.

استاد: پس چهار-پنج سالی از آقای ایروانی بزرگتر بودند. ولی خب هر دو شاگرد آخوند بودند ولی آقای ایروانی پنج-شش سال زودتر از مرحوم اصفهانی وفات کردند. این هم خیلی عجیب است! در دوره اخیر بزرگانی از علم و چه ستارههای درخشانی بودند اما با عمرهای کم! خود مرحوم شیخ هم همینطور بودند. آدم باورش نمیشود که شصت سال عمر کنند. یعنی شیخ انصاری با این همه از زحمات شصت سال عمر کردند! به تعبیری حاج آقا تمام ثمرهچینی یک عالم از عمر تحصیلات خودش بعد از شصت- شصت و پنج تا هشتاد است. اما مرحوم شیخ و مرحوم ایروانی زیر شصت بودند! خود مرحوم اصفهانی هم شصت و چند سال داشتند. اینها حجت بر این هستند با اینکه عمر خیلی طولانی نداشتند این همه خدمات بزرگ علمی انجام بدهند.

خالصه در نهایة النهایه اینطور فرموده بودند. در منتقی هم فرموده بودند اصلاً دلالت ندارد. این پایان عرض دیروز من بود. حال هم از نقطه پایان دیروز شروع کنیم. قبل از آن، دو کتاب دیگر را هم میگویم. یکی مرحوم مظفر در اصول الفقه هستند که موید حرف آخوند هستند. مرحوم اصفهانی هم در نهایة الدرایة موید حرف استادشان هستند. یعنی از حرف شیخ فاصله میگیرند و میگویند «الیقین» در مکاتبه بهمعنای یقین در استصحاب نباشد.

---

[1] كفاية الأصول - ط آل البيت ص۳۹۷

بازبینی #1
ایجاد شده 9 ژوئن 2026 14:27:24 توسط ... .
به روزرسانی شده 9 ژوئن 2026 14:28:39 توسط ... .